

اسرار آشکار

خط مشی و سیاست‌های هسته‌ای و خارجی اسرائیل

نویسنده: اسرائیل شاهاک

مترجم: ساجد پیمند

ویراست: اسیر شهریار امینیان



سپهر اندیشه



گروه مطالعات اندیشه‌ورزان

سرشناسه: شاهاک، اسرائیل، ۱۹۳۳ - ۲۰۰۱ م.

Shahak, Israel

عنوان و نام پدیدآور: اسرار آشکار: خط‌مشی و سیاست‌های هسته‌ای و خارجی اسرائیل / نویسنده

اسرائیل شاهاک؛ مترجم: ساحله پیوند.

مشخصات نشر: تهران: شرکت گروه مطالعات اندیشه‌ورزان آریا، ۱۳۹۵.

مجموعه: خلاصه‌ها: ۲۸۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۷۸-۱۵-۴

وضعیت فهرست‌رسانی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Open secrets : Israeli nuclear and foreign policies

عنوان دیگر: خط‌مشی و سیاست‌های هسته‌ای و خارجی اسرائیل.

موضوع: اسرائیل - رودیه - آریا

موضوع: یهودیان - اسرائیل - متحد - تگرش به اسرائیل

موضوع: اسرائیل - روابط خارجی

شناسه افزوده: پیوند، ساحله، مترجم

رده بندی کنگره: DS۱۱۹/۶/ش ۳۳۳

رده بندی دیویی: ۵۶۹۴/۳۲۷

شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۴۲۶۸۸

اسرار آشکار

خط‌مشی و سیاست‌های هسته‌ای و خارجی اسرائیل

نویسنده: اسرائیل شاهاک؛ مترجم: ساحله پیوند.

تجشیه و ویراست: امیر شهریار امینیان

طرح جلد: ایمان نوری نجفی

صفحه‌آرایی: مهر بامداد

نظارت چاپ: مهبد والی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۵ - نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۹۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۷۸-۱۵-۴

نشانی: تهران - خیابان ولیعصر (عج) - تقاطع خیابان

شهید بهشتی - خیابان عبادی - شماره ۱۵ - واحد ۳

تلفن: ۸۸۷۰۰۵۹۶ - ۸۸۷۴۸۶۸ - ۸۸۷۵۰۴۰۲

ketab.ir/andishevarzan

https://telegram.me/sepehrandish

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست عناوین

پیشگفتار / ۷

پیش درآمد / ۱۵

مقدمه / ۱۹

فصل اول: سانسور

نوشته یکم: مبارزه علیه سانسور نظامی و سطح کیفی ارتش / ۳۹

فصل دوم: روابط خارجی

نوشته دوم: اهداف، ابزردی اسرائیل و تسلیحات نظامی آن / ۶۹

نوشته سوم: اسرائیل در مقابل ایران / ۹۹

نوشته چهارم: تلاش برای ایجاد حال شکل گیری علیه ایران / ۱۱۵

فصل سوم: تجارت خارجی

نوشته پنجم: تجارت بین اسرائیل و دول عربی / ۱۳۱

نوشته ششم: تجارت مواد مخدر و سایر اجناس / ۱۴۷

فصل چهارم: یهودیان امریک

نوشته هفتم: اسرائیل و جماعت یهودیان ایالات متحده / ۱۶۳

نوشته هشتم: لابی صهیونیسم در ایالات متحده و قضیه ی اینتل / ۲۰۳

فصل پنجم: پیمان صلح اسلو

نوشته نهم: اهمیت واقعی پیمان اسلو / ۲۴۳

نوشته دهم: تحلیل خطامشی و سیاست های اسرائیل: اولویت عامل ایدئولوژیکی در

خطامشی های مذکور / ۲۵۹

می‌خواهم پیشگفتار خود را با معرفی نویسنده و توضیح موضوع کتاب حاضر شروع کنم که احتمالاً باعث عصبانیت مؤلف آن می‌شود. دکتر اسرائیل شاهاک^۱ برای سالیان متوالی یک راهنمای عزیز برای شهر بیت‌المقدس، فرهنگ فراطبیعی با تاریخچه‌های متعدد آن، سیاست‌های چندملیتی دولت (ملی) اسرائیل و باستان‌شناسی چند لایه‌ای تمدن آن بوده است. من تنها یکی از پسران ده‌پس‌دگانی هستم که افتخار آشنایی با این مرد بزرگ نایل شده‌ام. مردی که تصمیم گرفته است به شیوه‌ای عمل، زندگی و فکر کند که گویی ما از هم اکنون در یک جامعه منطقی زندگی می‌کنیم.

شما می‌توانید سه فصل از زندگی‌نامه وی را بدون اینکه چیزی دستگیرتان شود، خلاصه‌بندی کنید. این وجود زندگی وی را می‌توان چنین خلاصه‌بندی کرد: وی در جماعت یهودیان پراکنده در اروپای شرقی متولد شده است. بدشانشی امری است که «موت کوهل» با زمختی هر چه تمام‌تر آن را «بخت و اقبال تولد دیرینگان» می‌نامد. پس زمانی که تنها یک پسر بچه بود شاهد مرگ بسیاری از مردم و افراتحان و خویش شد. با ورود به فلسطین به‌عنوان سرپناه و خانه‌ی خود، بعدها تصمیم گرفت که یک پاسخ کلی به معمای قدیمی نژادپرستی، تعصب و افراط‌گرایی که هرگز هم در دوران انتظار منجی موعود نیز کشف نشده است، بدهد.

در مواقعی که من با دکتر شاهاک برای مطلع شدن از آخرین تحولات در جامعه اسرائیل تماس تلفنی داشتم، شاهاک با حالتی بدون تأثیر می‌گفت «نشانه‌های دلگرم‌کننده‌ای از فضای دو دولتی و دوگانگی وجود دارد». برای اکثر روشنفکران داخلی ما، چنین اظهاراتی بی‌معنی و بوج است. از همه اینها

گذشته چه چیزی می‌تواند مطلوب‌تر از اجماع همگانی باشد؟ با این حال شاهاک، در تحلیلی که تنها منحصر به خودش است، به ترکیبی دست یافته است که برای همیشه برای مجریان شبه واقع‌گرا در برده اسرار مانده و از توافق و قبول آن طفره خواهند رفت. چند دهه قبل، وی اتحاد مخوفی را بین ملی‌گرایان افراطی (که اکثراً سکولار هستند) و مذهبی‌های افراطی (که اغلب نسبت به برنامه‌های اشغال اراضی فلسطین بی‌اعتنا هستند) پیش‌بینی کرد. حال، برای آن دسته از یهودیان اسرائیلی که به دنبال سازش با همسایگان عرب فلسطینی خود هستند و برای آن دسته از یهودیان اسرائیلی که تمایلی به بددیاری در یک دولت کاملاً مذهبی ندارند، زنگ‌های خطر به صدا درآمده است. آن دسته که خواستار یک سرزمین آزاد عرب هستند و نیز آنهایی که ارزوی یک فرنگ انحصاری و تعیین شونده توسط خاخام‌ها را دارند، آرمان خویش را محقق خواهند کرد.

کسی که سبب بوجرد آمدن این رویارویی شده است - که اطمینان دارم این اظهارات را نادیده می‌گیرند - دکتر شاهاک است و این امر خود توضیح دهنده‌ی نفرتی است که بین یهودیان و مسلمانان در جنگ‌طلب که دارای نقاب صلح‌جویی هستند از وی دارند. آیا من باید به همین زوای رویداد شامگاه واشنگتن دی سی را که تنها مدت کمی بعد از فاجعه ۱۱ سپتامبر سال ۱۹۸۲ رخ داد فراموش کنم؟ تعدادی از لیبرال‌های مضطرب در آن جمع شدند تا به سخنان ژنرال ماتی پلد گوش فرا دهند. سپس من آنجا را دوباره تفسیر شاهاک سؤال کردم که این باعث کج و کوله شدن صورت من و خشم شد: «مرد دیوانه ... قانون شکن ... افراط‌گرا». این عبارات حاکی از این هستند که تا چه میزان دکتر شاهاک با دیگران در اندیشه متفاوت است. (در حال حاضر از خویش می‌پرسم: چه بر سر ماتی آمده است، کسی که روزی قهرمان غزه و محبوب جماعت یهودیان پراکنده هوادار صلح بود؟)

صفحات آتی، به این سؤال غیر مرتبط، پاسخ نمی‌دهد بلکه درصدد نشان دادن ذهنیت بخش متفکر یهودیان ساکن اسرائیل است؛ یهودیانی که به ندرت در غرب به چشم آمده و مورد موشکافی قرار گرفته‌اند. به منظور نشان دادن عدم تمایل یا عدم توانایی جریان غالب نخبگان جامعه، نسبت به تحول، شاید مجبور به انجام مقایسه‌ای منطقی از مسائلی شویم که تاکنون حتا به آنها فکر هم نمی‌شد کرد؛ یعنی غیر یهودیان از خود متنفّر. به غیر از این، چگونه می‌توان امتناع از پرداختن به طرز فکرهای واقعی نخبگان اسرائیل را توضیح داد؟ ای. اف. استون^۱ فقید می‌گوید انتشار مقاله‌های انتقادآمیز در دهی صریح در مطبوعات عبری بسی آسانتر از انتشار آنها در آمریکا است. این امر هنوز نیمی از قضیه را حدس نزده است. در انتشارات رسمی، گزارش‌ها، رسم و مصاحبه‌های نیمه رسمی، ذهنیت نظم حاکم به تدریج در حال تثبیت شده است. حتا اگر به بهانه‌ی توجیه عملکردها باشد، اغلب این افشاگران معاند بوده و دارای نوعی یکپارچگی است؛ دکتر شاهاک در همه جا شانه به شانه ایستاده است، یادداشت‌برداری کرده و اسامی را فاش می‌کند. احتمالاً شما میل دارید که ماهیت اصلی مکتب هسته‌ای اسرائیل را بدانید، در این صورت باید این کتاب را بخوانید. در صورت بروز جنگ با سوریه، کدامیک از شیوه‌های شمال دمشق اول از همه مورد هجوم قرار خواهد گرفت؟ برای مطلع شدن از این مسئله باید به این اثر مراجعه کنید. آیا این مسئله که آرل شارون^۲ چه کاری درباره اسرائیل به عنوان یک ابرقدرت منطقه‌ای می‌کند، اهمیتی دارد؟ تا زمانی که نگاهی به صفحه مربوطه نینداخته‌اید در این باره تصمیم‌گیری نکنید. (در اینجا اضافه کنیم که این مطالب و پیشگویی‌های غیرمعمول آن در زمانی ترسسته شده است که بسیاری از پانگلوسی‌ها^۳ بر این باور بودند که شارون مربوط به

۱. I. F. Stone

۲. پانگلوسی (Panglossian) نوعی طرز تفکر مسی بر این باور است که با در محیطی سرسبز از خوشبختی و خوبی زندگی می‌کنیم. این واژه از کتاب ولتر به نام کاندید گرفته شده است که در آن

گذشته است و دیگر وجود ندارد.) آیا تا بحال سرود احمقانه‌ی لیبرال‌ها را شنیده‌اید و به زبان آورده‌اید که: «جهانی فکر کنید ولی منطقه‌ای عمل کنید!» اگر تمایل دارید که درک کنید چگونه یک رژیم [جعلی] می‌تواند چنین شعاری را معکوس کند، این کتاب را مطالعه کنید.

شاهاک در نقد خویش از "پیمان اسلو" حالتی غیرمعمول دارد و می‌توانم بگویم که تعبیری منحصر به فرد دارد؛ وی به یکباره متوجه شد که توافقنامه‌ی مذکور اِباداً در سطح محلی و داخلی نیست. بر عکس، توافقنامه‌ی مذکور یک اقدام بازدارنده است که به منظور مقابله با فلسطینی‌ها تدوین شده است و در عین حال، از آن به‌عنوان مجوزی برای مشروعیت در سطح بین‌المللی استفاده می‌شود. در این کتاب، وی نشان می‌دهد که چگونه منطق تنزل یافته‌ی راهبردی، حتی بر ضد منافع حامیان مالی حزب کارگر خودش عمل کرده است. بزرگ فلسطین در این اواخر تحت تأثیر "توافقنامه‌ها" ناتوان شده بود و هیچ چیزی برای ارائه به جز زبان‌بازی‌های مذهبی نداشت. در بیانیه‌های روزگاری وی خالی خویش درباره بیت المقدس، وی توانایی ترساندن رأی دهندگان اسرائیلی را بدون تهدید آنها

کاندید نام جوانی است که در قصر بارون آلمانی زندگی می‌شد. بارون شخص به نام بانگلو را که از بهترین معلمان است برای تربیت کاندید استخدام می‌کند. بانگلو، بارون به کاندید می‌آمورد که ما در محیطی سرشار از خوشبختی و خوبی زندگی می‌کنیم.

۱. یاسر عرفات در ماه اکتبر سال ۲۰۰۴ به شدت بیمار شد و منابع رسمی فلسطین در آن زمان، بیماری او را ابتدا به انفولانزای شدید اعلام کردند اما با شدت گرفتن بیماری، رژیم فلسطین که در آن زمان در حالت تهوع، درد شدید در ناحیه شکم، اسهال و گاهی غیرعادی گلبول‌های قرمز دیده بود، برای درمان به بیمارستان نظامی یرسی در حومه باریس انتقال یافت. وی به کما رفت و در ۱۱ نوامبر درگذشت. وی از پایه‌گذاران جنبش فتح بود و پس از پیوستن این جنبش به سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) به رهبری این سازمان منصوب شد. مرکز وی همچنان مسکوک است و در سال ۲۰۱۲ از طریق آزمایشات با نش قبر، بدون بیرون آوردن جسد معلوم شد وی از طریق مسمومیت با پلونیوم به قتل رسیده است. (و)

داشت و از این رو می‌توانست به بازگشت کمال فرقه‌ی "زبوتسکی" و "سترن"^۲ - اگرچه این بار ملیس به رأی "حریدی‌ها"^۳ بود - کمک کند. با دیدن این موضوع، بدون احساسات و تحقیر کسانی که آن را به حرکت درآورده‌اند، شاهاک مجدداً خود را محق می‌بیند تا زنگ‌های خطر را علیه کسانی که به روش‌های مشابهی می‌خواهند یهودیان را وادار به چنین مسائلی کنند به صدا درآورد. در واقع می‌توان گفت که هیچ منتقد یا مفسر دیگری نبود ندارد که بتواند ادعای برخورداری از چنین امتیاز غیرفرقه‌ای و متعصبانه‌ای را داشته باشد.

کسانی که می‌توانند اعراب را به خاطر داشتن سرزمینی یک‌دست و اصیل

۱. زیو زابونسکی (Zeve Jabrinski) رهبر صهیونیستی و موسس جنبش احیاء صهیونیسم در سال ۱۹۰۳ کروکوا، مجارستان محافظه‌کار، یهود را تالیس کرد و به جنبش صهیونیسم پیوست. وی در سال ۱۹۰۶ در مسکو به عضو هیئت‌های روسیه شرکت کرد. در جنگ جهانی اول در زمینه تالیس و سازمان‌دهی تیپ‌های یهودی - من نمود و پس از پایان جنگ، در قدس ساکن شد و در سال ۱۹۲۰ به دلیل مشارکت در تالیس یهودی در گروه ناشناخته تروریستی متشکل از یهودین به منظور مبارزه با اعراب دستگیر و به ۱۵ سال زندان محکوم شد. پس از آزادی از زندان در سال ۱۹۲۱، به عنوان عضو کمیته‌ی اجرایی جنبش صهیونیسم در مسکو خدمت کرد و وی در سال ۱۹۲۳، خواستار تلاش جدی جهت ایجاد وطنی صهیونیستی در فلسطین گردید. زابونسکی در سال ۱۹۲۵ سازمان تجدیدنظرطلبان صهیونیسم را به عنوان جانشین سیاسی عقیده‌تر سازمان صهیونیسم جهانی که حییم وایزمن ریاست آن را به عهده داشت تأسیس نمود. وی در سال ۱۹۳۵ جنبش دیگری به نام سازمان صهیونیسم جدید را تشکیل داد و برای زندگی وارد فلسطین شد. زابونسکی پدر معنوی یهودیان راست‌گرا (به ویژه جناح لیکود) به شمار می‌آید و در سال ۱۹۷۷ با تألیس گروه ایرگون مرتکب فجیع‌ترین جنایات و کشتارها نسبت به فلسطینیان گردید. وی به عنوان رهبر شاخص تندروها و افراطیون جنبش صهیونیسم به شمار می‌رود. زابونسکی در سال ۱۹۸۰ در نیویورک در گذشت و در سال ۱۹۶۴ حد وی به فلسطین اشدالی انتقال یافت. (و)

۲. Stern

۳. حریدی‌ها (Haredi) یا خریدی‌ها آن‌دسته از بنیادگرایان مذهبی یهود می‌باشند که معتقدند جزو پاک‌دین‌ترین فرقه‌های یهودیت بوده و ناورهاپسان را به‌طور مستقیم از تورات و حضرت موسی (ع) برگرفته‌اند این شاخه از یهودیان مخالف سرسخت صهیونیسم به عنوان نخله‌ای سکولار می‌باشد و معتقدند هدفشان زندگی در سرزمین فلسطین است و نه حکومت‌داری. شمار این گروه از یهودیان که به سنت‌هایی نظیر پوشش کامل زن و تفکیک جنسیتی قائلند در حال حاضر بین ۱.۳ تا ۱.۵ میلیون نفر است که به‌دلیل ممنوعیت ازدواج بین دینی و ممنوعیت جلوگیری از فرزندآوری روبه افزایش است. (و)

سرکوب و قتل عام کنند، می‌توانند یهودیان را نیز با دلیلی مشابه سرکوب کرده و به قتل برسانند. این امر هم‌اکنون ثابت شده است، نه تنها به قیمت پیشروی صلح اسرائیلی، بلکه حتی به قیمت فردی مانند اسحاق رابین.

اگر قرار باشد من نقدی بر صفحات این کتاب داشته باشم (که چندین نقد دارم) این‌گونه می‌توانم بگویم که: اصرار نسخ‌گیرانه در مورد حقیقت‌های قابل اثبات توسط دکتر شاهاک، گاهی اوقات باعث نادیده‌انگاری گوشه و کنایه‌ها شده است. از این رو، شاهاک مطالب زیادی را درباره مأموریت‌هایی که اسرائیل مانند یک پسر وظیفه‌شناس برای آمریکا در همه جا از "زئیر" تا "سالوادور" انجام داده است، از قلم می‌اندازد. ولی آیا صهیونیسم نیز قرار نبود به یهودیان را از وابستگی به "گوییم" رها سازد؟ همواره گفته می‌شود (کاملاً نیز به) سواهد این نمی‌شود) که اسرائیل تنها دموکراسی موجود در خاورمیانه است. چگونه این سیاهات و لاف‌زدن در ذهنیت کسانی که سانسورها، ضرب‌و‌شتم، مدیریت آینده قوانین وضعیت‌های اضطراری را اعمال کرده‌اند و مسئول حفظ اسرائیل می‌باشند، کار می‌کند؟ نویسنده ما در این کتاب هنگامی که به چنین مسائلی می‌رسد به صورت کنایه‌آمیز و طعنه‌آمیز رفتار می‌کند. ولی اولین فردی است که پیشنهاد کرد، از طریق یک فرآیند دقیق و پیچیده شواهد موجود در روند نرومان استخراج شوند؛ روندی که به حتم نشان می‌داد باید قضیه‌ای فراتر از قتل رستنی بیش از حد و فوق‌العاده شایاک - سرویس بیش از حد سایش شده امنیتی در خلال آخرین گردهمایی که نخست‌وزیر رابین در آن حضور به هم رسانید -

۱ گوی به صورت مفرد و گوییم (Goyim) به صورت جمع، نطقی است که در تورات برای اطلاق به یک ملت یا قوم استفاده می‌شود. معنی لغوی آن می‌تواند "غریبه" و یا "غیر یهود" نیز باشد. یهودیان صهیونیست معمولاً از این لغت برای غیریهودیان استفاده می‌کنند و بر این عقیده‌اند که از حقوق برابر با یهودیان برخوردار بوده و از لحاظ نطفه فرقی با حیوانات ندارند. این نگرش نژادپرستانه و برتری قوم بر دین را شاهاک در این اثر به نقد کشیده است. (و)

وجود داشته باشد. باین حال شما دوست دارید بیشتر درباره‌ی آن دسته از افرادی که در تضاد به سر می‌برند، بدانید.

شاید من انتظار بیش از حد زیادی دارم. در یک مقاله درخصوص ایدئولوژی مذهبی - نژادی اسرائیل، شاهاک اشاره به این مسئله می‌کند که مردمی که دارای یک دیدگاه مصمم دنیوی هستند، معمولاً همان چیزی را می‌گویند که منظورشان است. برای لیبرال‌های نیویورک که بسیار شفیقانه ربیت و پرورش داده شده‌اند، بسیار تعجب‌انگیز خواهد بود که بدانند منابع مالی نقدی جمع‌آوری شده در آمریکا که مقداری از آن از طریق وضع مالیات حاصل می‌شود به اسرائیل داده می‌شود تا آنها بتوانند جاده‌هایی منحصر به استفاده یهودیان برای متصل کردن شهرهایی که بازهم منحصر به یهودیان است، بمانند ماسادا، طعنه و کنایه‌ای در اینجا به قیمت جان کسانی تمام خواهد شد. قاضان سعی در نادیده گرفتن این مسائل می‌کنند. آقای شیمون پرز، خسرخواه بدهار گردهمایی‌های لیبرال نیویورک، با فروتنی ولی به‌طور پنهانی اعتراف می‌کند که بله این وی بوده است که در واقع «پایه‌گذار» برنامه‌های هسته‌ای اسرائیل است. سؤال این است که آیا هنگامی که «دیمونا»^۱ تبدیل به «چرنوبیل»^۲ شد. وی همچنان این مایه میاهات را خواهد پذیرفت؟ یا هنگامی که از آن به‌عنوان تهدیدی برای یک «مسادی»^۳ دیگر استفاده شد؟ منطق سیاست بی‌رحم و سنا بدل است، در غیر اینصورت چرا آقای پرز حتا در همین زمان که مشغول نوشتن این متن هستیم مانند

۱. دیمونا نام یکی از شهرهای رژیم اسرائیل قدس است که در جنوبی سرزمین اشغال واقع شده و در صحرای نگب قرار گرفته است. در حاشیه‌ی دیمونا بزرگترین زرادخانه هسته‌ای رژیم صهیونیستی دور از چشم ناظران بین‌الملل و آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای با حمایت بسیار ایالات متحده آمریکا در حال فعالیت بوده و به تولید کلاهک‌های هسته‌ای می‌پردازد. رژیم اسرائیل قدس در این خصوص هیچ‌گاه حاضر به همکاری با نهادهای ناظر بین‌الملل بسده و دولت ایالات متحده نیز طبق سیاست‌های چندگانه و تیمبص‌آمیز خود از این اقدام حمایت کرده است. (و)

۲. حادثه اتمی چرنوبیل حادثه هسته‌ای فاجعه‌باری بود که در روز ۶ اردیبهشت ۱۳۶۵ (۲۶ آوریل ۱۹۸۶) در نیروگاه چرنوبیل در اوکراین رخ داد. انفجار و آتش‌سوزی در راکتور شماره ۴ نیروگاه چرنوبیل باعث بحش مواد رادیو اکتیو در بخش بزرگی از غرب شوروی و اروپا شد. (و)

۳. Masada

سگی آب کشیده به نظر می‌رسد؟ و چرا آقای یاسر عرفات، هر روز بیش از پیش مانند مقتی اعظم به نظر می‌آید، عنوانی که نیاز به کلمه «اعظم» دارد تا برهنگی و یادآوری نقش نوکرانه‌ی بزرگان فلسطین باستان را ببوشاند؟

کریستوفر هیچنز

www.ketab.ir

نتانیاهو و راهبردهای اسرائیل

از دیدگاه من، پیروزی سیاسی نتانیاهو^۱ تا آنجایی که به راهبردهای اسرائیل برمی‌گردد، چندان قابل اهمیت نیست؛ و این ژنرال‌های ارتش، افسران عالی‌رتبه و مقامات بلند پایه نظامی هستند که درباره‌ی مسایل مهم تصمیم‌گیری می‌دهند. دولت و نخست‌وزیر به ندرت طراح خط‌مشی‌ها می‌باشند. در تمامی جنگ‌هایی که اسرائیل شروع‌کننده آن بوده است، دولت [جعلی] اسرائیل تنها هنگامی از تصمیم جنگ مطلع شده که ارتش در وضعیت حمله قرار داشته است. در چنین وضعیتی، نخست‌وزیر صرفاً تصمیمی را که دیگران پیش از او گرفته‌اند، تأیید می‌کند. من در این کتاب عمدتاً از همین "دیگران"، که تصمیم‌گیری‌های مذکور را می‌گیرند، نقل قول می‌کنم.

توافق بین احزاب چپ و راست اسرائیل در خصوص سیاست‌های خارجی بسیار بیش از آن چیزی است که کارشناسان سیاسی فرض می‌کنند. اجازه بدهید تا روند شغلی **آوراهاام تامیر**^۲ را مورد بررسی قرار دهیم؛ وی در حال

^۱ Netanyahu

^۲ آوراهاام تامیر (۱۹۲۴-۲۰۱۰) (Avraham Tamir) یکی از سیاستمداران و سرداران اسرائیل است.

رویم صهیونیستی است که پس از ۳۶ سال در ارتش رژیم صهیونیستی فعالیت نمود. در سال ۱۹۸۳ به دلیل اختلاف با موشه آرنز وزیر جنگ رژیم صهیونیستی، از شغل نظامی‌گری جدا شد و به سیاست روی آورد. وی جزو معدود صهیونیست‌هایی بود که در اواخر دهه هشتاد با بازر عرفات ملاقات کرد. تامیر پس از جنگ یوم کیبور در سال ۱۹۷۳ کمیته سیاست‌گذاری و طراحی عملیات ارتش رژیم صهیونیستی را بنا نهاد. او از مشاوران ارشد وایزن، سامیر، رابین، نر و بود و یکی از عوامل به قدرت رسیدن ایهود باراک بود. سابقه دوستی وی با شارون موجب پذیرش سمت معاونت وی در وزارت جنگ در سال ۱۹۸۱ شد که متعاقب آن جهان در سال ۱۹۸۲ شاهد یکی از سریع-

حاضر یکی از سه عضو "کمیته برنامه‌ریزی" است که درخصوص راهبردهای دولت نتانیاهو با وی مشاوره می‌کند. نامیر در دهه ۷۰ کار خویش را به‌عنوان کارشناس در ستاد مرکزی حزب کارگر یعنی "گور"^۱ شروع کرد. در زمان اسحاق شامیر وی برنامه‌ریز ارشد حمله‌ی سال ۱۹۸۲ به لبنان بود. در سال ۱۹۸۴ وی به سمت مدیر کل دفتر نخست وزیر در کابینه پیرز منصوب شد؛ سپس به حزب چپگرای "مرتس"^۲ محلق شده و در اوایل سال ۱۹۹۶ به حزب "لیکود" پیوست. در حال حاضر وی مشاور نتانیاهو درخصوص مسائل مربوط به سوریه است. روند شغلی نامیر - که در روزنامه‌های عبری‌زبان آورده شده است - نشان‌دهنده ثبات اهداف راهبردی اسرائیل است.

حال با مقایسه‌ی عملکردها و سخنان به این نتیجه می‌رسیم که عبارات بیان شده از نامیر کمی برخوردارند. به عنوان نمونه زمانی نتانیاهو می‌گوید که عرفات از «یتلر» بدتر است. اما در ۳ اکتبر ۱۹۹۶، آوینوام بار جوزف^۳ در همان روزنامه «هارتس» می‌دهد که نتانیاهو در جریان مذاکرات به عرفات گفته است که «تو شکر که دوست من هستی». نتیجه اینکه، تغییر در لحن و عبارات و ادبیات زمامداران رژیم صهیونیستی در طول زمان به معنای تغییر در راهبردهای این رژیم نیست؛ در واقع؛ می‌توان گفت که اصول

ترین جنایت بشری در صبرا و شتیلا توسط شارون که به قتل‌های سیزده هزار نفر منتهی شد، نامیر در دهه ۷۰ ی بود راه خود را از شارون جدا کرد. در اواخر دهه هشتاد او در کابینه پیرز هایش از ایده دو دولتی و تشکیل کشور فلسطینی حمایت می‌کرد اما پس از توافق «اسلو» و روی کار آمدن سیمون پیرز دچار سرخوردگی شد و از نتانیاهو حمایت کرد که این حمایت نیز نتیجه بهر یابی و نالیدی برایش به همراه نداشت و به حاشیه رانده شد(و)

۱. Gur

۲. Meretz

۳. آوینوام بار جوزف (Avinoam Bar Yosef) یکی از فعالان صهیونیست است که در حال حاضر مدیر یت موسسه سیاست‌گذاری جماعت یهود (The Jewish People Policy Institute) را برعهده دارد این موسسه در سال ۲۰۰۴ با هدف حمایت همه‌جانبه از یهودیان توسط آژانس یهود بنیان نهاده شد و در جهت پشتیبانی از ایده‌ی اسرائیل به عنوان کانون یهودیان فعالیت می‌کند. رئیس هیئت مدیره این موسسه در حال حاضر دنیس راس مشاور اوباما در امور خاورمیانه، ایران و خلیج فارس است.(و)

۱۷ | اسرار آشکار

و مبانی راهبردی اسرائیل، که در این کتاب آمده است، تاکنون تغییر نکرده است؛ در این مقوله تردید نداشته باشید. در پایان این اثر را تقدیم می‌کنم به یادبود ویتولد جدلیکی^۱ که بدون کمک‌هایش این کتاب هرگز نوشته نمی‌شد.

اسرائیل شاهاک

بیت المقدس، اکتبر ۱۹۹۶

^۱ Witold Jedlicki